سر مقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. در بارهٔ ضرورت و فایدهٔ توجه به علم الحدیث در سرمقاله‌های پیشین (به ویژه شماره‌های ۲، ۴، ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۵، ۳۶) سخن رفته است و جای تکرار نیست. بدیهی است که هر گونه اقدامی بر اساس حدیث به بررسی‌های علمی بر مبنای صحیح علم الحدیثی نیاز دارد. بدین روی، دانشوران مسلمان دانش‌های حدیثی را همواره با جدیت پی گرفته‌اند و پیش می‌برند.

نیز در مورد بایسته‌های پژوهشی علم الحدیث در فرصت‌های مختلف سخن گفته‌ایم (به ویژه در سرمقاله‌های شماره‌های ۵، ۶، ۲۸ علاوه بر مقالاتی در شماره‌های ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۹، ۳۶).

اما این گروه پژوهشها باید با آداب خاصی انجام گیرد که بخشی از آنها در سرمقالهٔ شماره‌های ۱۹، ۲۰، ۳۷ بیان شده است.

در این مجال مختصر می‌کوشیم چند کلام در مورد آسیب‌شناسی پژوهش‌های علم الحدیثی سخن گوییم و پیشنهادهایی چند عرضه کنیم.

۲. در مقدمهٔ این گفتار، چند نکته ضروری را تذکر می‌دهد:

الف. مراد از پژوهشهای حدیثی در این گفتار، عمدتاً پژوهشهای سندی است.

ب. از نیت‌خوانی در مورد افراد اجتناب شده و فقط خروجی‌های آنها بررسی می‌شود. البته نوشتارهای غیرصحیح هرگز به معنای نفی نیت‌های صحیح و خالصانه پدیدآورندگان آنها نیست.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.1.2]

ج. باید بدانیم که در بررسی‌های علمی حدیثی، پژوهشگر، نسبت به موضوع، محاط است نه اینکه بر آن محیط باشد. بدین‌روی باید با حساسیت ویژه به این گونه تحقیقات وارد شد.

د. در تولید و نشر این گونه پژوهش‌ها باید فضای فرهنگی جهان معاصر را به خوبی شناخت، مسابقهٔ مداوم را دید و در بررسی هر گونه تلاش، عوامل مربوط به این فضا را نیز در نظر گرفت.

۳. بررسی‌های سندی در مورد حدیث، گاهی به افراط و تفریط گرفتار می‌آید.

در موضع افراط، به بررسی سندی توجه نمی‌شود و هر کلام منسوب به اهل بیت را عین کلام آن بزرگواران می‌پندارند.

اما در حالت تفریط، آن چنان به بررسی سندی بها داده می‌شود که بخش عمده‌ای از فوائد حدیث را از دست می‌دهیم.

در سطور آینده در کمال اختصار به هر دو وجه آسیب می‌پردازیم.

۴. در حالت افراط، گرفتار آفاتی می‌شویم، از جمله:

یک. پخته خواری و سهل‌گیری در ردّ و قبول مطالب، آنهم در حیطهٔ کلام منسوب به وحی.

دو. پرهیز از درایت، و در افتادن به چالهٔ تعارض اخبار، احادیث جعلی (موضوع) و ضعیف و....

سه. تعطیل تدبّر و تعقّل که بزرگترین آفت در کار دینی (در حیطه‌های علمی، پژوهشی، تربیتی، عملی و ترویجی) است.

چهار. مداخلهٔ نااهلان و بیسوادان در درونمایهٔ دین و پوشاندن لباس وارونهٔ گرگ، همان آفتی که محدث نوری در کتاب "لؤلؤ و مرجان" و دیگر دلسوزان در جای خود بدان هشدار داده‌اند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.1.2]

پنج. با شاخه به جان ریشه افتادن. کتابهای سخیف، منابر غلط، ترجمه‌های محرّف، برداشت‌های مضحک، تفسیرهای ناروا و مانند آن نتیجهٔ همین نگاه است. نشاندن برداشت‌های منظوم به جای متن‌های مستند – از آن گونه که در تکیه افراطی به مثنوی می‌بینیم– پیآمد همین گونه برخورد است.

اینها برخی از مسائلی هستند که نتیجهٔ نگاه افراطی است که آن را "اخباری‌گری" نیز می‌نامند.

۵. اما آفات تفریط نیز کم نیست، از جمله:

یک. کم‌توجهی به محتوا به دلیل توجه افراطی به سند. ضوابط فقیه اصولی نامدار وحید بهبهانی در ارزیابی و بررسی احادیث (بنگرید: سفینه، شماره ۱۸ ص۱۷۶–۱۸۷) پاسخی به این کم‌توجهی است.

دو. کم توجهی به تعقل. جالب آن است که این رویکرد، با دعوی توجه به اندیشه و تعقل، همان راهی را می‌رود که رویکرد رقیب آن. در اینجا تعقل، قربانی سند محوری می‌شود، از آن روی که به بررسی محتوا بها نمی‌دهند.

سه. آسان‌گیری و پخته‌خواری. وقتی بنا شد که سند تکلیف تمام علم را روشن کند، می‌توان پیشنهاد داد که علم رجال تعطیل شود و کار آن را به رایانه بسپاریم، چنانکه پیشنهاد کردند!

چهار. شتابزدگی در حکم و فتوا دادن. این پدیدهٔ ناپسند، پیآمد عدم توجه به روش علمی مقبول در هنجارهای علمی صحیح شرق و غرب است، ولی زمانی‌که انسان خود را در میان میدان مسابقه می‌بیند، می‌کوشد که از رقیبان عقب نیفتد و با اظهار نظری – گرچه ناسنجیده– خود را بنمایاند. در این میان، از یاد می‌برد که فلان حدیث که در این منبع بطور مرسل نقل شده، در جای دیگر، با سند کامل و معتبر روایت شده است.

پنج. ایجاد و گسترش روح شکاکیت در هر امر، و نام دقت علمی بر آنها نهادن. به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.1.2]

این ترتیب، حد اقل‌های مبانی را از دست می‌دهیم و بر ویرانه‌ای می‌نشینیم که هیچ اعتمادی بر آن نیست.

شش. گم شدن ضرورت ایمان، خشوع، ترویج، عمل و دیگر وظایفی که علم، مقدمه‌ای بر آنها است. آنگاه دلخوشی به این مقدمه و غفلت از متن را سبب تفاخر گیریم و به تکاثر در این وادی بیفتیم.

هفت. خود برتر بینی نسبت به عموم مردم، در حالی که عموم مردم بدون اینکه خود را به پاره‌ای از مصادیق «علم لا ینفع» بیالایند، به نتایج مفید بحث یعنی ایمان و عمل رسیده‌اند.

هشت. پیروی از منطق "بحث برای بحث" مانند "علم برای علم" و "هنر برای هنر" که همواره طرفدارانی داشته و هنوز هم دارد.

نه. تقلید از دانشمندان رجالی پیشین، و بستن باب تحقیق و نقد و بررسی با مدعای عقل‌گرایی و اندیشه محوری و پژوهش. بدون توجه به بافت و ساختار آن دانشوران در سده‌های گذشته، و بدون توجه به دشواری‌هایی که سبب می‌شد آن بزرگواران کسی را نشناسند و "مجهول" بدانند یا نسبت غلو به او بدهند یا ...

ده. از دست دادن سرمایه‌های معنوی و علمی بی‌مانند و تجدید ناپذیر. این خسران، زیانی دیگر در پی دارد: جایگزینی روح پژوهشی مخالفان و خاورشناسان به جای روح معنوی که در آثار سلف صالح می‌بینیم. این کار ما بی‌شباهت به کار آن مرد صدر اسلام نیست که در برابر رقیب شیطان‌صفت، ساده‌لوحانه انگشتر از انگشت بیرون کرد و رقیب انگشتر در انگشت نهاد و...

یازده. ایجاد "مُد علمی" به گونه‌ای که هیچ دانشوری جرأت مخالفت با آن نیابد، از ترس برچسب‌های ناچسب که بدان گرفتار می‌آید.

دوازده. بی‌بهره بودن غالب این گونه گویندگان، از حداقل‌های:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.1.2]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.1.2]

– علمی (مبانی مربوط، مقدمات لازم، دانش‌های میان رشته‌ای)
– اخلاقی (اخلاق فردی، اجتماعی، پژوهشی)
– ایمانی (آنچه مبانی دینی را تضعیف نکند، بلکه آن را استوار سازد)
– تجربی (تجربه‌های لازم علمی، از شکست و پیروزی‌های پدید آمده در کار علمی)
– مردم شناسی (با مردم چگونه سخن گوییم و پاسخ آنها را بدهیم).

سیزده. گرفتار آمدن به احتیاط‌های خلاف عقل و نوعی وسواس اندیشگی.

چهارده. نشاندن فرع به جای اصل و مقدمه به جای متن. در این حال بدون توجه به هزینه فرصت همچنان به زیانکاری می‌افتیم و بیشتر در این زیانها دست و پا می‌زنیم.

پانزده. گم شدن قطب دین (حجت حیّ الهی) و فراموش شدن توسل علمی به اولیای خدا که سنت پیشینیان بزرگوار ما بود. و تجربه‌های شیرینی از آن داشته و دارند.

۶. اکنون با موجی روبروییم که بحثهای سندی (و اخیراً پژوهش‌های زبان شناختی و مانند آن) را در صدر پژوهش‌های حدیثی نشانده و روح خشوع را از آنها گرفته است. پیشنهاد می‌شود که برای بازگرداندن فضای معنوی به پژوهش‌های حدیثی نکات زیر را مدّ نظر گیریم:

یک. هدف را گم نکنیم: خودسازی، دیگرسازی، کاربردی بودن، جست‌وجوی دوای دردها در احادیث.

دو. هدف را پیوسته به خود و دیگران یادآور شویم تا مقدمه اصل را از ما نگیرد.

سه. راه میانه را در برابر افراط و تفریط بپیماییم، یعنی رسیدن به ذوق سلیم که به تجربه نیاز دارد و با مطالعه محض به دست نمی‌آید.

چهار. به مبحث جدی «هزینهٔ فرصت» بیندیشیم: در ازای دستیابی به این مطالب چه فضاهایی را از دست می‌دهیم؟

پنج. پیش از شروع هر بحث علمی به ثمرهٔ عملی آن بیندیشیم، چه ثمرهٔ کوتاه مدت

یا بلند مدت.

شش. روش‌شناسی بزرگان گذشته، و استفاده از نکات مثبت آنان، بدون اینکه ادعای عصمت در بارهٔ آنان کنیم یا اینکه قدر آنان را اندک شماریم.

هفت. اصل احتیاط را درست به کار گیریم: به حکم عقل، اگر می‌گوییم: «شاید این کلام معصوم نباشد»، در برابر آن بگوییم: «و شاید کلام معصوم باشد!». در این حال، به مقتضای دو سوی احتیاط گردن نهیم.

از دید شرعی نیز، همواره به یاد داشته باشیم این مضمون معتبر را که فرمود: «المفتی علی شفیر جهنم». با این توضیح که افتاء ویژهٔ احکام فرعی فقهی نیست، بلکه هر گونه اظهار نظر در دین، مصداق افتاء است.

هشت. زمان را بشناسیم، آثار مستقیم و غیرمستقیم سخن خود را - چه مثبت و چه منفی- بسجیم و با توجه به مجموع برآیند کار، تصمیم بگیریم که چه بگوییم و چه نگوییم.

نه. به مطابقت کلام با عقل بیندیشیم، البته عقل سلیم موهبتی غیرمحجوب الهی، نه دست و پا زدن‌های بی‌حاصل فکری و سردرگمی‌های اندیشگی که بیهوده بر آن نام عقل می‌نهیم!

ده. توجه به عواملی مثل تقیه، لایه‌های تو در توی کلام (که در حدیث، از آن به معاریض تعبیر شده)، تلخیص‌ها و تقطیع‌ها که در حدیث روی داده، نقل نشدن سبب صدور یا سند حدیث و دهها مورد مانند آن.

یازده. سرمایهٔ خودمان را به دست خود به آتش نکشیم و این آثار باستانی را به بهانهٔ واهی ویران نکنیم. باید بدانیم که این سرمایهٔ معنوی تجدیدناپذیر است و فرصت حضور امامان معصوم در حال حضور و بیان مسائل، امکانی نیست که بتوان فراهم کرد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.1.2]